



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده زبانشناسی

رساله دکتری رشته فرهنگ و زبانهای باستانی

شرح و توصیف پنج مقوله اخلاقی آیین بودا، بر پایه فصل یازدهم متن ختنی زمبسته

استاد راهنما

دکتر مهشید میرفخرایی

استاد مشاور

دکتر محمد تقی راشد محصل

پژوهشگر

محسن میرزایی باوندپور

مردادماه ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۰۵/۱۱

رساله تحصیلی آقای محسن میرزایی باوندپور دانشجوی مقطع دکتری رشته فرهنگ و زبان های باستانی

تحت عنوان:

شرح و توصیف پنج مقوله اخلاقی آیین بودا، بر پایه فصل یازدهم متن ختنی زمبسته

را بررسی کردند و رساله با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای رساله، خانم دکتر مهشید میرفخرایی با مرتبه علمی استاد
۲. استاد مشاور رساله، آقای دکتر محمدتقی راشد محصل با مرتبه علمی استاد
۳. استاد داور داخل گروه، خانم دکتر فرزانه گشتاسب با مرتبه علمی استادیار
۴. استاد داور خارج از گروه، آقای دکتر محسن ابوالقاسمی با مرتبه علمی استاد

امضا

امضا
امضا
امضا

امضای رئیس پژوهشگاه

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

تقدیم به

دکتر مهشید میرفخرایی

سپاسگزاری

سپاسگزارم از:

استاد گرامی، دکتر مهشید میرفخرایی

استاد گرامی، دکتر محمد تقی راشد محصل

استادان گرامی، دکتر محسن ابوالقاسمی، دکتر محمود رضا دستغیب بهشتی، دکتر زهره زرشناس،

دکتر فرزانه گشتاسب، دکتر کتایون مزداپور، دکتر چنگیز مولایی

دوست عزیز، دکتر محمد جلالیان

و

همسر مهربانم، راحله فروزانفر.

چکیده

از نیمه دوم سده اول پیش از میلاد مسیح تا حمله قره‌خانیان به سرزمین ختن در سال ۱۰۰۶ میلادی، این منطقه یکی از مهمترین مراکز آیین و فرهنگ بودایی، به‌ویژه مکتب مه‌ایانه، بوده و شمار زیادی از آثار بوداییان به زبان ختنی در این منطقه ترجمه و تدوین شده است. کتاب «زمبسته» یکی از آثار دینی بوداییان، به زبان ختنی، منظوم و در قالب «سوتره» سروده شده است. فصل یازدهم این کتاب به معرفی پنج مقوله اخلاقی آیین بودا اختصاص دارد؛ این پنج مقوله عبارتند از: *mulydsi* «آمرزش»، *maitrā* «مهر»، *pāramitā* «فضیلت»، *bodhicitta* «روشن‌نگری» و *upāya* «مصلحت». به تبع قالب متن، توصیف هر یک از این پنج مقوله به اختصار بیان گردیده است.

این پژوهش با مقدمه و در سه فصل تدوین شده است:

فصل اول: شرح و توصیف این پنج مقوله و مطابقت آن با متن ختنی.

فصل دوم: حرف‌نویسی، برگردان فارسی فصل یازدهم کتاب زمبسته و یادداشتها.

فصل سوم: واژه‌نامه، همراه با توضیحات ریشه‌شناسی.

در پیوست نیز نمونه‌هایی از صورتهای صرفی اسم و صفت، ضمیر، عدد، و فعل آمده است.

فهرست مطالب

یک	چکیده فارسی
۱	شرح نشانه‌ها
۵	اختصارات
۷	مقدمه
۸	الف- ختن
۸	ب- زبان
۱۰	ج- اسناد، خط و ادبیات
۱۳	د- وزن شعر ختنی
۱۷	ه- برخی پژوهش‌های انجام شده
۲۰	و- درباره این رساله
۲۱	فصل اول
۲۲	۱-۱. آیین بودا در ختن
۲۴	۱-۲. اساس تعلیمات بودا
۲۴	۱-۳. پنج مقوله اخلاقی آیین بودا
۲۵	۱-۳-۱. آمرزش یا دلسوزی
۲۶	۱-۳-۲. مهر یا شفقت
۲۷	۱-۳-۳. فضیلتها یا کمالات
۲۹	۱-۳-۴. روشن‌نگری
۳۰	۱-۳-۵. تدبیرهای ماهرانه
۳۲	فصل دوم
۳۳	۲-۱. کتاب زمبسته
۳۴	۲-۲. مصوتها، صامتها و الفبای ختنی
۳۶	۲-۳. حرف‌نویسی متن ختنی
۴۳	۲-۴. برگردان فارسی
۵۰	۲-۵. یادداشتها
۵۹	فصل سوم (واژه‌نامه)
۱۳۸	پیوستها
۱۳۸	الف- جدولهای صرف اسم و صفت
۱۴۵	ب- جدولهای صرف ضمیر

۱۴۷	ج- جدولهای صرف عدد
۱۴۸	د- جدولهای صرف فعل
۱۵۲	کتابنامه
۱۵۷	نمایه

شرح نشانه‌ها^۱

نشانه	شرح
a	فتحه
ā	ا (در «باد»)
ǎ	a یا ā
ä	کسره در ختنی
ǎ	aw انگلیسی
a	an فرانسوی
b	ب (در ختنی ب و w)
č/c	چ
d	د (در ختنی د و ذ)
ɖ	د (مانند d انگلیسی در واژه dry)
ɖ	ذ
ɖ	ذ
e	کسره
ē	یای مجهول نامیده می‌شود، از کسره کشیده‌تر ادا می‌شود
ə	کسره کوتاه
ə̄	بلندتر از ə
f	ف
g	گ (در ختنی گ و غ)
gg	گ در ختنی

^۱ بیشتر این شرحها از ابوالقاسمی. ۱۳۷۴ الف. صص ۱۱-۱۳؛ ۱۳۷۴ ب. صص ۸-۹؛ ۱۳۸۳ ب. ص هشت؛ و میرفخرایی. ۱۳۸۳ الف. صص ۲۸-۴۵؛ و رضایی باغبیدی. ۲۰۰۹ است.

غ	γ
ه	H
ه	h
کسره	i
ی (در «امیر»)	ī
ج	j
ک	k
ل	l
م	m
ن	ṁ
ن	n
ن کامی-لثوی	ṅ
ن	ṇ
نگ	ŋ
ny کامی شده n مانند واژه انگلیسی pinion	ñ
ضمه	o
واو مجهول نامیده می شود، از ضمه کشیده تر ادا می شود	ō
پ	p
ق	q
ر	r
ر در ختنی، پیش یا پس از یک مصوت	rr
ri مانند مصوتها تلفظ می شود، یعنی در ادای آن جایگاه تولید باز	ɾ
است	
س	s

ş	sh
ش	š
ش (آوایی)	ś
ش (بی آوا)	śś
ش کامی-لثوی (آوایی)	ʂ
ش کامی-لثوی (بی آوا)	ʂʂ
ś	ś
ت (در ختنی t و d)	t
ت	t'
ت دندان‌نی	ʈ
t در اوستا در پایان کلمه می آید	ṭ
t در ختنی	tt
ث	ṭh
ضمه	u
و (در «نور»)	ū
u یا ū	ũ
u یا w	ụ
و	v
و (مانند white انگلیسی)	w
خ	x
خو (ادای آن مانند «خ» آغاز می شود و به مانند «و» پایان می پذیرد)	xʷ
ی	y
ز در ختنی	ys
ز	z

§ آوایی	ž
ژ	ẓ̌
ژ	ž̇
همزه	,
نشانهٔ تکیه‌دار بودن هجا، مانند á	´
دلالت می‌کند بر اینکه: ۱. تلفظ فرضی است. ۲. معنی فرضی است.	*
۳. واژه فرضی است.	
۱. آنچه در میان () آمده برای توضیح است. ۲. آن نشانه یا مطلب	()
ممکن است باشد یا نباشد. به جای آنکه بنویسند mā و māy	
می‌نویسند mā(y)	
آنچه در میان [] آمده، اضافه شده است.	[]
بند	§

اختصارات

جلد	ج
مقایسه کنید با	قس
صفحه	ص
صفحات	صص
نگاه کنید به	نک
یادداشتها	ی
رجوع کنید به	←
رجوع کنید به	→

AvGr	An Avesta Grammar → Jackson. 1968
Barth	Altiranisches Wörterbuch → Bartholomae. 1904
BD	Buddhist Dictionary → Nyanatiloka. 1988.
BDR	The Brill Dictionary of Religion → Holzapfel. 2006
BSOAS	Bulletin of the School of Oriental and African Studies
DKS	Dictionary of Khotan Saka → Bailey. 1979
ED	Etymological Dictionary → Cheung. 2007
EH	Encyclopedia of Hinduism → Jons, C. A. & J. D. Rayan. 2007.
GBT	http://www.naljorprisondharmaservice.org Glossary of Buddhist Terms.
Jāt	The Jātakasatva → Dresden. 1955
KBh	The Khotanese Bhadracaryādeśanā → Asmussen. 1961
Mac	→ Macdonell. 1958
MW	→ Monier-Williams. 1899. A Sanskrit-English Dictionary.

OP	Old Persian → Kent. 1953
p	page
PbZ	Prolexis to the book of Zambasta → Bailey. 1967
PKS	Primer of Khotan Saka → Konow. 1949
Pok	→ Pokorny. 1959.
pp	pages
SGr	Sanskrit Grammar → Whitney. 1964
SGS	Saka Grammatical Studies → Emmerick. 1968
SSt	Saka studies → Konow. 1932
SVK	Studies in Vocabulary of Khotanese → Emmerick & skjæaervø. 1982
vol	volume
idem	همان

مَقَامُهُ

الف - ختن



ختن^۱ یا «سریندیا»^۲، ملقب به قلب دوم آسیا، در قسمت شرقی آسیای مرکزی واقع و روزگاری یکی از مراکز مشهور آیین بودا و فرهنگ بودایی بوده است. این شهر در ناحیه جنوبی جاده باستانی ابریشم و در استان «سینکیانگ اویغور»^۳، ایالت خودمختار جمهوری خلق چین، قرار دارد. مرکز این استان، شهر اورومچی^۴ واقع در شمال صحرای تاکلاماکان است. امروزه شهر ختن مشخصاً در ۳۷/۰۸ درجه عرض شمالی و ۷۹/۵۴

درجه طول شرقی، با جمعیتی بالغ بر ۷۰۰۰۰ (با احتساب توابع آن ۱۱۵۵۰۰) تن در جنوب بیابان تاکلاماکان قرار دارد.^۵

ب- زبان

زبان سکایی (ختنی)^۶، یکی از زبانهای ایرانی میانه شرقی است. این زبان، به دو گویش تمشقی^۷ (گویش شمالی) و ختنی (گویش جنوبی) تقسیم می شود؛ در واقع، از نظر زبانی و جغرافیایی، قرابت

^۱ Khotan. نقشه از <http://www.chinaculturecenter.org/courseventreg.php?eventid=2461>

^۲ Ser-India. از لاتین Seres «چین» و India «هند»، به معنی «چین و هند». این ترکیب با «هندوچین»، ناحیه جنوب شرقی آسیا، ارتباطی ندارد.

^۳ Xinjiang Uygur.

^۴ Ürümqi.

^۵ http://archnet.org/library/places/one-place.jsp?place_id=9163&order_by=title&showdescription=1

^۶ Khotanese.

^۷ Tumshuqese.

ختنی و تمشقی چنان است که می‌توان آنها را گویشهای مختلفی از یک زبان دانست.^۱ زبان ختنی تنها محدود به ختن نبوده و منطقه وسیعتری را شامل می‌شده است: از کاشغر به سوی شرق تا تمشق، واقع در شمال صحرای تاکلاماکان؛ و از کاشغر تا ختن، واقع در جنوب این صحرا. به دلیل قلت نوشته‌های برجای مانده از تمشقی، اطلاع کمتری از این گویش در مقایسه با گویش ختنی در دست است. آثار تمشقی از نظر زبانی کهنه‌تراند.^۲

دقیقاً نمی‌توان گفت که زبان ختنی و تمشقی از چه زمانی در این مناطق رایج بوده؛ احتمالاً از نیمه دوم سده اول پیش از میلاد، در واحه‌های حوضه «تاریم»^۳ به این زبان تکلم می‌شده است اما دوره رواج زبان ختنی را باید از سده سوم میلادی به بعد دانست.^۴ بی‌شک، گویشهای سکایی دیگری نیز وجود داشته است که امروزه از آنها نامی نیست.^۵

نام «تمشقی» را «هارولد بیلی»^۶ برای زبان به کار رفته در متونی که در همین ناحیه یافت شده بودند انتخاب کرده است؛ و از آنجا که سکاییان، خود واژه *hvatana* را در متونشان به کار برده‌اند و نیز بدان دلیل که این متون در ناحیه ختن یافت شده بود، بیلی، نام «ختنی» یا «ختن-سکا» را برای زبان ختنی برگزید. بنابر نظر «زین جیانگ»^۷، عبارت *gyāzdiā ride* یعنی «شاه جاژدی»؛ و *gyāzdi* نام مکانی بوده است که منابع چینی آن را به صورت *Jushide* ضبط کرده‌اند و این مکان همان تمشق است. بنابراین، *Gūzdi* به جای «تمشق» می‌تواند به کار رود. نام «تمشق» نمی‌تواند قدیمتر از سده دهم میلادی، یعنی هنگامی باشد که قره‌خانیان اسلام را به منطقه آوردند. در هر حال، پس از ساکن شدن سکاییان در شمال و جنوب صحرای تاکلاماکان، ظاهراً تا حد زیادی ارتباط مردمان شمال و جنوب با یکدیگر از بین رفت. زبانی را که در شمال این «صحرای بی‌بازگشت» بدان تکلم می‌شد، به نام تمشقی و زبانی را که در جنوب صحرا بدان تکلم می‌شد، به نام ختنی می‌شناسیم.^۸

^۱ میرفرخایی. ۱۳۸۳ الف. ص ۱۶؛ و Emmerick. 2009. p.377.

^۲ تفضلی. ۱۳۷۸. ص ۳۶۵.

^۳ Tarim Basin. حوضه تاریم، بالاتر از ۴۰ درجه عرض شمالی و بین ۸۰-۱۰۰ درجه طول شرقی؛ در شمال صحرای تاکلاماکان و جنوب اورومچی واقع است.

^۴ Emmerick. 2009. p.337; 2008. p.198.

^۵ ابوالقاسمی. ۱۳۷۳ الف. ص ۱۴۱.

^۶ H. W. Bailey.

^۷ Rong Xinjiang.

^۸ Emmerick. 2008. p.198.

از تمشقی و مردمانی که بدین زبان تکلم می‌کرده‌اند اطلاعات کمتری در دست است؛ زیرا متونی که از این زبان باقی مانده اندک و بی‌تاریخ است. از ختنی و مردم ساکن در ختن به واسطه گزارشهای چینی و تعدد متون نوشته شده به زبان ختنی و تاریخداری بودن تعدادی از این متون، اطلاعات بیشتری در دست است.^۱

ویژگی صرفی^۲ اسم و صفت در زبان ختنی بدین ترتیب است: الف: دو شمار: مفرد و جمع. شمار مثنی را تنها در چند واژه می‌توان دید. ب: سه جنس: مذکر، مؤنث، ختنی. جنس ختنی اندک و در حاشیه است. تعدادی از قیدها، در اصل صفت‌های ختنی هستند؛ ج: هشت حالت صرفی ایرانی باستان به شش حالت تقلیل یافته است: نهادی، رای، وابستگی-برایی، بایی-ازی، دری، ندایی.

ضمایر ختنی عبارتند از: شخصی، اشاره، پرسشی، موصول، مبهمات، و مشترک. دارای دو شمار مفرد و جمع؛ سه حالت نهادی، رای، و وابستگی-برایی. حالت بایی-ازی به کمک دیگر حالتها، عمدتاً حالت وابستگی-برایی، ساخته می‌شود. حالت ندایی کم‌کاربرد است.

اعداد اصلی در ختنی گاه صرف می‌شوند: *ššau*: بایی-ازی مفرد ختنی است از *ššau*: یک. *ysāra*: هزار، و *sata*: صد، همچون صفت صرف می‌شوند. اعداد ترتیبی، همچون صفت صرف می‌شوند: *tcurama*: چهارم؛ *haštama*: هشتم؛ *dasma*: دهم. از یازده به بعد، گاه صورت صرفی به کار رفته است: *dvāšuvo*: دری جمع از *d(u)vāsu*: دوازده.

ختنی، دو ماده فعلی دارد: ماده مضارع و ماده نقلی. از ماده مضارع، وجوه اخباری، التزامی، امری و تمنایی ساخته می‌شود. وجه انشایی به ندرت آمده است. از ماده نقلی، تنها وجه اخباری ساخته شده است. فعل نقلی جنس (مذکر و مؤنث) را هم نشان می‌دهد.^۳ باب، شامل: گذرا و ناگذر. از فعل ناگذر به جای مجهول استفاده می‌شود. شمار، شامل: اول، دوم، و سوم شخص؛ مفرد و جمع.

ج- اسناد، خط و ادبیات

از زبان ختنی، دستنوشته‌ها، برگه‌ها و پاره‌برگهای زیادی توسط هیأت‌های اکتشافی غربی و ژاپنی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در ناحیه ختن و غار «هزاربودا» نزدیک «دون‌هوانگ»^۴

^۱ Emmerick. 2008. p.199.

^۲ این قسمت برگرفته از: میرفخرایی. ۱۳۸۳ الف؛ و Emmerick. 2008; idem. 2009 است؛ نیز نک. پیوست.

^۳ بجز جمع متعدی.

^۴ Dunhuang شهریست در شمال غربی استان گانسو، تقریباً در ۴۰ درجه عرض شمالی و ۹۴ درجه طول شرقی.

یافت شده است. تاریخ نگارش این آثار بین سده‌های پنجم تا دهم میلادی بوده و مربوط است به دوران فرمانروایی سکاییان بودایی ساکن در ختن. مجموعه‌هایی از این آثار، اکنون در موزه‌ها و کتابخانه‌های پاریس، لندن، مونیخ، برلین، دهلی، کیوتو و ... موجود است. بجز چند چوب‌نوشته، نوشته‌های روی نقاشیها و یک نوشته بر روی کوزه، بقیه آثار ختنی روی کاغذ^۱ و به صورت دستنویس یا طومارهایی به سبک چینی است. دستنویسها، دسته‌هایی از برگهای کاغذ به شکل مستطیل (۱۰×۴ سانتیمتر) بوده که در گوشه هر برگ، دایره‌ایست که از سوراخ وسط آن سیمی عبور کرده تا برگه‌ها را به هم متصل کند. روی هر برگ، معمولاً چهار تا ده سطر نوشته دارد و شماره هر برگ در حاشیه سمت راست دیده می‌شود. طومارهای چینی، اغلب با پهنای کمتر از ۲۵ سانتیمتر و با درازای مختلف، تا هفت متر است^۲؛ بزرگترین طومار یافت شده دارای عرض ۲۹,۲ سانتیمتر با طول ۲۳,۸۷۶ متر است که ۱۱۰۰ سطر دارد^۳

این آثار به قلمهای مختلفی^۴ از خط براهمی نوشته شده‌اند که برای نوشتن ختنی متناسب شده بودند. خط براهمی را سکاها از هندیها و هندیها آن را از آرامیها گرفته بودند. خط براهمی از چپ به راست نوشته می‌شده و خطی هجایی است^۵.

چند نمونه از نوشته‌های ختنی^۶



^۱ Maggi. 2008. a.

^۲ میرفخرایی. ۱۳۸۳ الف. صص ۱۴-۱۵.

^۳ Maggi. 2008. b. p.335-6.

^۴ خود شامل گونه‌های مختلفی از خطهای رسمی و شکسته. نک. Maggi. 2008. b. p.334-5.

^۵ ابوالقاسمی. ۱۳۷۳ الف. ص ۱۴۱. خط رسمی و شکسته به کار رفته در متون تمشقی، متأثر از تخاری است. نک. Emmerick. 2008. p.200

^۶ http://idp.bl.uk/pages/collections_en.a4d

<http://www.bbaw.de/forschung/turfanforschung/dta/ks/images/ks06sideatotal.jpg>



نوشته‌های به دست آمده از سکایی را، نوشته‌های طبی، نامه‌های تجاری و داستان، مدیحه، مطایبه، جغرافیا و چند متن دوزبانه ترکی-ختنی و سنسکریت-ختنی، تشکیل می‌دهند؛ اما بخش عمده آثار ختنی، ترجمه از سنسکریت و تبتی است.^۱ این آثار عمدتاً، منظوم و مربوط به آیین بودا است. هر قطعه (بند) دارای دو بیت و هر بیت دارای دو مصرع است. چگونگی وزن این اشعار چنانکه باید مشخص نشده و ابهاماتی در

این زمینه وجود دارد؛ هنوز دقیقاً معلوم نیست که وزن شعر در ختنی قدیم، آیا اقتباسی از نوعی وزن ناشناخته هندی است یا سبکی مستقل و بومی. «امریک»، وزن شعر ختنی قدیم را اصالتاً کمی دانسته و احتمال می‌دهد که از اوزان شعری هندی اقتباس شده باشد.^۲ به نظر وی، شعر ختنی قدیم در مرحله گذار از کمیت به وزن ضربی است که در نهایت در ختنی نو، وزن ضربی کاملاً جایگزین وزن کمی شده است. او معتقد است که یک هجای کوتاه، اگر تکیه‌دار باشد، می‌تواند بلند محسوب شود؛ آنگاه، به یکسانی تعداد هجاهای ارکان پایانی ابیات، بر اساس نظم کمی اشاره کرده و تقطیع ناهمسان (غیر هم‌شکل در کوتاه و بلندی) این ارکان پایانی را با اعمال تکیه بر هجاهای این ارکان، به صورت

^۱ ابوالقاسمی، ۱۳۷۳ الف. ص ۱۴۱؛ و Maggi. 2008. b. pp.406-416

^۲ Maggi. 2008. a.